

مصطفی احمدی

دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه تهران (پردیس فارابی قم)

# تحصیل النجاة فی اصول الدين، فخرالمحققين، معرفی نسخه و کتابشناسی

۲۴۲-۲۳۳

## «تحصيل النجاة في اصول الدين» فخرالمحققين؛ معرفی نسخه و کتابشناسی

مصطفی احمدی

**چکیده:** «تحصيل النجاة في اصول الدين» از جمله تالیفات فخرالمحققين (۷۷۱-۶۸۲ ه. ق) است که در مورد اصول اعتقادی نگاشته شده است. این اثر به درخواست ناصرالدین حمزه بن حمزه بن محمد العلوی الحسينی تالیف و به دست سید غیاث‌الدین عبدالکریم (متوفی ۷۷۰ ه. ق) یکی از پنج خواهرزاده علامه حلی کتابت شده است. تنها نسخه باقی مانده از این کتاب که در ایران شناسایی شده است، متعلق به دانشگاه تهران به شماره ۱۷۷۱ است. این نسخه دارای آب خوردگی است و در بعضی از صفحات، کلمات و جملات قابل خواندن نیست. از این جهت کار تصحیح این اثر را دشوار می‌نماید.

**کلیدواژه:** تحصيل النجاة في اصول الدين، فخرالمحققين، غياث‌الدین عبدالکریم، ناصرالدین حمزه بن حمزه بن محمد العلوی الحسينی.

## — *Tahsīl on-Nijāt fi Osool ed-Dīn* by Fakhrolmuhaqiqīn

### Introducing the Manuscript and the Bibliography

By: Muṣṭafā Ahmadi

**Abstract:** *Tahsīl on-Nijāt fi Osool ed-Dīn*, by Fakhrolmuhaqiqīn (682—771 A.H.), is written about the principles of Islamic beliefs. This book is produced at the request of Nāsireddīn Hamze bin Hamze bin Muhammad bin al-Alavi al-Husseini, and is written down by Seyyed Ghiyāthoddīn Abdulkarīm (death, 770 AH) who is one of Allāme Helli's five nephews. The only surviving copy of this book, which has been identified in Iran, belongs to the University of Tehran, No. 1771. This version has become wet, so some of its pages, words, and sentences are not readable and this makes it difficult to correct the work.

**Key words:** *Tahsīl on-Nijāt fi Osool ed-Dīn*, Fakhrolmuhaqiqīn, Ghiyāthoddīn Abdulkarīm, Nāsireddīn Hamze bin Hamze bin Muhammad bin al-Alavi al-Husseini.

## — تعريف و بيبليوگرافيا كتاب (تحصيل النجاة في أصول الدين) لفخرالمحققين

مصطفی آحمدي

کتاب تحصيل النجاة في أصول الدين هو أحد كتب فخرالمحققين (۶۸۲ - ۷۷۱ هـ) والذي ألفه في مجال أصول العقائد.

وقد جاء تأليف هذا الكتاب تلبيةً لطلب ناصرالدین حمزة بن حمزة بن محمد العلوی الحسينی، وتولى كتابته السيد غياث‌الدین عبدالکریم (م ۷۷۰ هـ) أحد أبناء شقيقة العلامة الحلي الخمسة.

والنسخة الوحيدة الباقية من هذا الكتاب هي النسخة الموجودة في جامعة طهران برقم ۱۷۷۱.

وتمتاز هذه النسخة بتأثير الرطوبة في بعض المواضع منها، ووجود الكلمات والمجمل غير القابلة للقراءة في بعض صفحاتها، الأمر الذي يزيد من صعوبة العمل في تصحيح هذا الكتاب.

المفردات الأساسية: تحصيل النجاة في أصول الدين، فخرالمحققين، غياث‌الدین بن عبدالکریم، ناصرالدین حمزة بن حمزة بن محمد العلوی الحسينی.

# تحصيل النجاة في اصول الدين، فخرالمحققين، معرفی نسخه و کتابشناسی

مصطفی احمدی

تنها نسخه باقی مانده از کتاب «تحصيل النجاة في اصول الدين» که در ايران شناسایی شده است، متعلق به دانشگاه تهران به شماره ۱۷۷۱ است.<sup>۱</sup> این نسخه دارای آب خوردگی است و در بعضی از صفحات، کلمات و جملات قابل خواندن نیست. از این جهت کار تصحیح این اثر را دشوار می نماید.

این کتاب را فخرالمحققین برای یک از شاگردان خودش به نام «ناصرالدین حمزة بن حمزة بن محمد العلوی الحسینی» نگاشته است. ناصرالدین حمزه از اکابر سادات و از شاگردان فخرالمحققین و از معاصران شهید اول است. وی اهل ناحیه جاست (جاسب) و ایسته به شریف آباد قم است.<sup>۲</sup> «المسائل الناصریات» پرسش های همین شاگرد است که فخرالمحققین به خط خود به آنها پاسخ داده و نسخه ای از خط مؤلف به شماره ۶۴۹ در کتابخانه ملک وجود دارد. با توجه به نزدیکی تاریخ استنساخ «تحصيل النجاة» و تاریخ کتابت «المسائل الناصریات»، می توان حدس زد این دو مجموعه در یک بازه زمانی مشخص تحریر شده است. راقم سطور تا کنون اثر دیگری از ناصرالدین حمزه ندیده است. صورت اجازه نامه فخرالمحققین در اول المسائل الناصریات بدین گونه است: «أجزت رواية أجوبة هذه المسائل عني للسيد المعظم العالم الزاهد ناصر الدين حمزة بن حمزة بن محمد العلوي الحسيني أدام الله أيامه، فليرو ذلك لمن شاء وأحب، وليفت بذلك لجماعة المؤمنين، وينبغي أن يقبلوا قوله فيما ينقله عنا من الاحكام الشرعية، وكتب محمد بن المطهر في سابع [و] عشرين رجب لسنة ست وثلاثين وسبعمئة بالحضرة المقدسة الغرورية صلوات الله على مشرفها حامدا مصليا».<sup>۳</sup>

همچنین اجازه نامه ای از فخرالمحققین به ناصرالدین حمزه در اول کتاب تحصيل النجاة ثبت شده است که تاریخ آن نیز بیست و هفتم رجب سال ۷۳۶ است. صورت این اجازه نامه نیز بدین شرح است: «قرأ على مولانا السيد المعظم ملك السادة ناصر الملة والدين حمزة بن حمزة بن محمد العلوي الحسيني المصنف له هذا الكتاب من أوله إلى آخره، قراءة وبحث وتحقیق ونظر وتدقیق. وقد أجزت له رواية هذا الكتاب عني، وكذا أجزت له رواية جميع ما صنفته وألفته ورويته وأجيز... روايته، وكذا أجزت له أن يروى عني جميع مصنفات والدي قدس الله سره، وأجزت له رواية مصنفات الشيخ السعيد... نجم الدين أبي القاسم جعفر بن سعيد طاب ثراه، عني، عن والدي، عنه، وكذا أجزت له رواية جميع مصنفات كتب أصحابنا الفقهاء المتقدمين رضی الله عنهم أجمعين وكتب محمد بن الحسن بن يوسف بن علی بن المطهر الحلّي فی سابع عشرين رجب المبارك لسنة ستة وثلاثين وسبعمئة؛ والحمد لله وحده، وصلى الله على سيدنا محمد وآله».<sup>۴</sup>

۱. فنجد، ج ۷، ص ۲۴۷.

۲. مقدمة كتب تحصيل النجاة: «أما بعد فهذا كتاب «تحصيل النجاة» في أصول الدين وفروعه صنفته خدمة السيد المعظم الشريف المكرم سلالة الأئمة المعصومين خلف أجداده الطاهرين السيد ناصر الملة والحق والدين حمزة بن حمزة العلوي المتوطن بقرية شريف آباد من ناحية جاست من أعمال قم، متقرباً بذلك إلى رب العالمين، جعله الله ذكراً ليوم الدين بمحمد وآله الطاهرين».

۳. از استاد عزیزم جناب دکتر احمد رضا رحیمی ریس بابت در اختیار گذاشتن این نسخه تشکر می کنم.

۴. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۰۰.

مرحوم افندی این کتاب (تحصیل النجاة) را جزء تملکات شهید ثانی رحمه الله می داند.<sup>۵</sup> این سخن با نوشته ای که در بالای صفحه اول به خط «علی بن محمد بن الحسن بن زین الدین» کتابت شده مطابقت دارد. بعید نیست این کتاب را شهید ثانی در یکی از سفرهای خود به منطقه عراق تهیه کرده باشد و بعدها این نسخه از شهید ثانی به فرزندانش رسیده باشد. در فنخاتاریخ تملکی به سال ۹۲۳ق در صفحه اول ذکر کرده که راقم این سطور آن را نیافت.<sup>۶</sup>

کاتب این نسخه سید غیاث الدین عبدالکریم (متوفی ۷۷۰ق) یکی از پنج خواهرزاده علامه حلی است.<sup>۷</sup> وی شاگرد فخرالمحققین بوده و همین کتاب را نزد او خوانده است.<sup>۸</sup> از سید غیاث الدین اثر و تألیفی در منابع یاد نشده است. در فهرست فنخادر توضیح نسخه، آن را بدون کاتب معرفی کرده است.<sup>۹</sup>

در انتهای نسخه تاریخ کتابت این گونه ذکر شده است: «فرغ من نسخها أضعف عباد الله تعالی عبدالکریم بن محمد بن أعرج الحسينی بالحضرة الشریفة الغرویة صلوات الله علی مشرفها فی آخرنهار السبت رابع [و] عشری رجب [المبارک] من سنة ست وثلاث وسبعمئة والحمد لله...».

وی این نسخه را با نسخه ای به خط مؤلف مقابله کرده و گزارش آن را در حاشیه برگ آخر ذکر نموده است. «بلغت المقابلة بنسخة الأصل بخط المصنّف فی المشهد المقدّس الغروي صلوات الله علی مشرفها فی تاریخ سنة ست وثلاث وسبعمئة هجرية والحمد لله رب العالمین».

بدین جهت در حاشیه برگ آخر تأییدیه ای به خط مؤلف وجود دارد. عبارت مؤلف بدین صورت است: «انها أیده الله تعالی قراءة وبحثاً وفهماً وضبطاً واستشراحاً وذلك فی مجالس آخرها سابع [و] عشری رجب سنة ست وثلاث وسبعمئة والحمد لله تعالی وحده وصلی الله علی محمد النبی وآله، وکتب محمد بن المطهر».

این نکته حائز اهمیت است که هر دو اجازه (اجازه اول کتاب تحصیل النجاة و نسخه المسائل الناصریات) در یک تاریخ صادر شده است. این یعنی فخرالمحققین به درخواست ناصرالدین حمزه کتاب را تألیف کرده و در اول کتاب برای او اجازه نامه ای در تاریخ ۲۷ رجب سال ۷۳۶ ق نوشته است. در همین زمان ناصرالدین مجموعه ای از سؤالات فقهی خود را که از قبل سؤالات آن را به خط خود نوشته بوده است به فخرالمحققین عرضه نموده و او به آنها پاسخ داده است و اجازه ای هم در ابتدای آن نوشته است.<sup>۱۰</sup> تاریخ این اجازه نامه نیز ۲۷ رجب سال ۷۳۶ ق است.

افندی گزارش می دهد: «سید حمزه سؤالاتی چند از استادش فخرالمحققین نموده و او هم به خط شریف خود آنها را پاسخ داده است و من این سؤالات و جوابها را به خط هر دو تن، در آخر نسخه کتاب تحصیل النجاة یاد شده. دیده ام و این سؤالات دلیل بر فضل و دانش سؤال کننده است و به دنبال جوابها، شیخ فخرالدین به خط خود می نویسد: «به سید معظم و عالم زاهد ناصرالدین، حمزه بن حمزه بن محمد علوی

۵. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، همان.

۶. فنخا، همان.

۷. طبقات اعلام الشیعة، ج ۵، ص ۱۹۴.

۸. طبقات اعلام الشیعة، ج ۵، ص ۱۲۱.

۹. فنخا، همان.

۱۰. به نظر می رسد ناصرالدین حمزه سؤالات خود را در کاغذی نوشته و جای هر سؤال را خالی گذاشته تا استاد به تناسب به هر یک از پرسشها پاسخ دهند. از این جهت مشاهده می شود که برخی پاسخها که به قلم فخرالمحققین طولانی شده و ادامه اش در حاشیه نوشته شده است. وی بعد از تحویل سؤالات خود به فخرالمحققین، درخواست کتابی در زمینه اصول عقاید می کند و فخرالمحققین برای او کتاب «تحصیل النجاة» را تحریر می کند. به این دلیل تاریخ اتمام کتاب و اجازه نامه المسائل الناصریات در یک زمان است. (از راهنمایی های استاد گرانمایه جناب آقای دکتر رحیمی ریس تشکر می کنم).

حسینی (ادام الله ایامه) اجازه دادم تا پاسخ سؤالات را از سوی من برای هرکسی که می خواهد و دوست دارد روایت کند و به گروه مؤمنان که خواهان این حقایق اند فتوا دهد و امضا کرده است و کتب محمد بن مطهر در تاریخ بیست و هفت رجب سال ۷۳۶ هجری در حضرت مقدسه غرویه صلوات الله علی مشرفها (نجف اشرف) حامدا مصلیا.<sup>۱۱</sup>

آنچه افندی در انتهای کتاب تحویل النجاة دیده است، همان المسائل الناصریات بوده است که الان به صورت رساله شش برگه مستقل در کتابخانه ملک وجود دارد، اما انتهای نسخه کتاب تحویل النجاة خالی از این پرسش و پاسخ است. صاحب ریحانة الادب این نسخه را معرفی کرده و بیان داشته صاحب ریاض همین نسخه را دیده است،<sup>۱۲</sup> در حالی که ذکر شد، انتهای نسخه خالی از پرسش و پاسخ مذکور است.

این احتمال که نسخه المسائل الناصریات جدا شده از تحویل النجاة باشد منتفی است؛ زیرا کاغذ کتابت شده این دو نسخه باهم تفاوت دارند، مگر اینکه این دو نسخه در دو کاغذ مجزا کتابت شده (چرا که بیان شد ناصرالدین حمزه سؤالات خود را از پیش نوشته بود) و در زمانی خاص شخصی که هر دو نسخه را داشته آنها را در یک مجموعه قرار داده است. این زمانی بوده است که صاحب ریاض این مجموعه را دیده است.<sup>۱۳</sup> در نسخه المسائل الناصریات نیز نوشته ای دال بر تملک «علی بن محمد بن الحسن بن زین الدین» وجود دارد که نشان می دهد وی بر هر دو نسخه تملک داشته است.

مطلب دیگری که می شود در اینجا مطرح کرد این است که فخرالمحققین اصل کتاب را همان طور که در مقدمه کتاب ذکر کرده برای ناصرالدین حمزه نوشته است، ولی اصل کتاب را نگه داشته و دستور کتابت نسخه ای را به خواهرزاده خود غیاث الدین عبدالکریم داده است. نسخه کتابت شده به دست غیاث الدین هم اکنون در دست ماست، ولی از نسخه اصل هیچ گزارش و خبری در دست نیست.

در مورد این نسخه دو احتمال به نظر می رسد:

احتمال اول این است که نسخه اصل وجود نداشته است. فخرالمحققین به درخواست ناصرالدین حمزه پاسخ داده و وی از روی دست نوشته های خود که شاید سیاهه ای از معرّب «الفصول النصریه» را هم در اختیار داشته، دست به تألیف تحویل النجاة به صورت نسخه ای مسوده زده است.<sup>۱۴</sup> در ادامه به دستور وی غیاث الدین عبدالکریم آن را به رشته تحریر درآورده است و در آخر آن را به سمع و نظر فخرالمحققین رسانده و از وی تأییدیه ای نیز گرفته است. با اینکه در چندین جای نسخه نشان بلاغ وجود دارد، ولی شماره گذاری های عناوین فصول در چندین مورد به اشتباه نامگذاری شده است. این عدم دقت شاید به علت تسریع در مقابله بود که در سه روز انجام شده است.

احتمال دوم این است که نسخه اصل به دست مؤلف تألیف شده، ولی به دلایلی از دادن آن به درخواست کننده منصرف شده است. بدین جهت به غیاث الدین عبدالکریم سفارش کتابت آن را داده و وی این کتاب را استنساخ کرده و در مدت زمان سه روز آن را مقابله نموده است. در آخر نیز فخرالمحققین هم آن را تأیید نموده است و هم اینکه اجازه نامه ای را در اول کتاب برای سید نظام الدین حمزه صادر نموده است.

۱۱. ترجمه ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۹۰.

۱۲. ریحانة الادب، ج ۴، ص ۳۰۸.

۱۳. نوع کاغذ تحویل النجاة سمرقندی و کاغذ المسائل الناصریات دولت آبادی است.

۱۴. مرور اجمالی بر این کتاب نشان می دهد که فخرالمحققین در چندین مورد عیناً از عبارات الفصول النصریه که رکن الدین جرجانی آن را معرب کرده است بهره برده است. مثلاً فصل دوم از مقدمه کتاب و همچنین بحث «هدایة» در انتهای فصل اول کاملاً برگرفته از الفصول النصریه است.

## متن کتاب

مؤلف در این کتاب یک دوره عقاید شیعه را بازگو کرده است. فخرالمحققین در این کتاب همه مباحث اعتقادی را به صورت خلاصه آورده و از آوردن استدلال‌های تفصیلی اجتناب نموده است، اما وی در بحث امامت به صورت تفصیلی وارد شده و علاوه بر اثبات امامت امیرالمؤمنین (ع)، به اثبات هر یک از ائمه دیگر نیز پرداخته است. وی در این کتاب بارها از پدر خود علامه حلی یاد کرده و نظرات وی را در این کتاب نقل نموده است.

کتاب از یک مقدمه و پنج اصل تشکیل شده است. مقدمه خود دارای دو فصل است. فصل اول «فی النظر» است که دارای چند مبحث است. مباحثی چون: تعریف نظر، تعریف علم، تقسیم بندی علم و ... فصل دوم مشتمل بر پنج مبحث شامل مواد ثلاث، حدوث و قدم، احکام اجسام، ابطال دور و تسلسل است.

مصنف بعد از ذکر مقدمات شروع به تبیین هر یک از اصول اعتقادی می‌پردازد.

## الأصل الأول في التوحيد

اصل اول «فی التوحید» که طبق شماره‌های نام‌گذاری شده توسط کاتب دارای بیست و دو فصل است، اما دقت در عناوین بحث تعداد آنها را به ۲۳ فصل می‌رساند؛ زیرا فصل سوم که در مورد «علم» خداوند است به اشتباه و تکرار فصل دوم نامگذاری شده است. اصل توحید در آخر با یک خاتمه که خود چند بحث دارد به اتمام می‌رسد.

تفصیل فصول این بخش (توحید) عبارت است از:

الفصل الأول: فی إثبات الصانع (دو برهان ذکر می‌شود) به اضافه عنوانی به نام «هدایة» که برگرفته از فصول خواجه نصیرالدین است.

الفصل الثاني: فی أنه تعالی قادر (دارای دو بحث است: اول معنای قدرت که دو دلیل برای معنای مورد نظر می‌آورد و بحث دوم در مورد عام بودن قدرت خداوند).

الفصل الثالث: فی أنه تعالی عالم (این فصل نیز دارای دو بحث است: بحث اول در مورد اثبات علم و بحث دوم در مورد تعلق گرفتن علم خداوند به هر معلومی).

الفصل الثالث: فی أنه تعالی حیّ.

الفصل الرابع: فی أنه تعالی مرید.

الفصل الخامس: فی أنه تعالی سمیع بصیر (در این فصل تنبیهی در مورد مدرک بودن خداوند بیان شده است).

الفصل السادس: فی أنه تعالی متکلم.

الفصل السابع: فی أنه تعالی یخالف غیره من الماهیات لذاته.

الفصل الثامن: فی أنه تعالی غیر مرکب.

الفصل التاسع: فی أنه تعالی واحد (در این فصل دو دلیل برای واحد بودن خداوند آورده می‌شود. دلیل اول عقلی و دلیل دوم نقلی است).

الفصل العاشر: فی أنه تعالی لا مثل له.

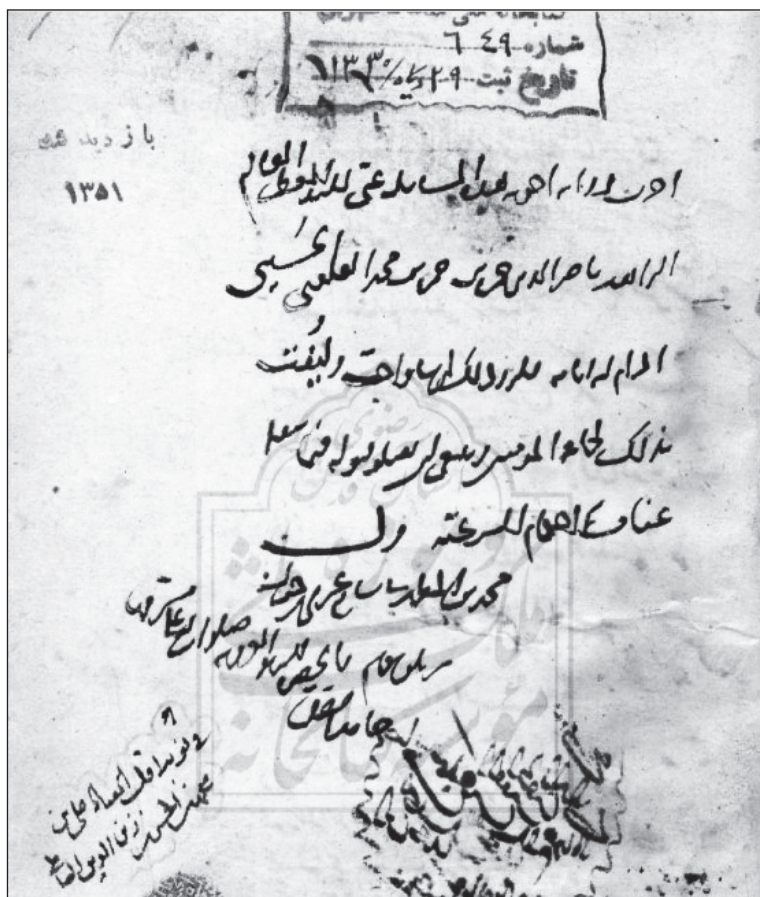
الفصل الحادي عشر: فی أنه تعالی لیس متحیّز ولا حالّ فی غیره.

الفصل الثاني عشر: فی أنه تعالی یستحیل أن یكون محلاً للحوادث.

الفصل الثالث عشر: فی نفي الاتحاد المعقول.

الفصل الرابع عشر: فی أنه تعالی غنیّ.





الفصل الخامس عشر: في نفي اللذة والألم عنه.  
 الفصل السادس عشر: في أنه تعالى غير مرئي.  
 الفصل السابع عشر: في أنه تعالى ليس بموصوف بالألوان والطعوم والروائح.  
 الفصل الثامن عشر: أن وجوده تعالى نفس حقيقته.  
 الفصل التاسع عشر: في أنه تعالى باق  
 الفصل العشرون: في أن حقيقته تعالى لا يمكن العلم بها.  
 الفصل الحادي والعشرون: هذه الصفات الثبوتية نفس ذاته.  
 الفصل الثاني والعشرون: في أنه لا يكون واجباً بذاته وبغيره.

فصل توحيد بايك خاتمه به پايان مى رسد. اين خاتمه مشتمل بر هفت مبحث به اين ترتيب است: اول: بحث در مورد لفظ الله. دوم: معنای جود و غنى و اينكه نياز به اضافه نيست. سوم: توضيح در مورد صفت ملك. چهارم: تام و تمام بودن ذات واجب. پنجم: حق بودن خداوند. ششم: خير محض بودن خداوند. هفتم: توضيح در مورد صفت جباريت خداوند.

### الأصل الثاني في العدل

اصل دوم «في العدل» است. اين اصل داراى نه فصل است. هر فصل داراى بخش هايى است كه با حروف ابجد شماره گذارى شده است.

الفصل الاول: معنى كون الفعل حسناً.  
 الفصل الثاني: في أنه تعالى لا يفعل القبيح ولا يخل بالواجب.  
 الفصل الثالث: أنه تعالى يفعل لغرض.  
 الفصل الرابع: في أنه تعالى يريد الطاعات ويكره المعاصى.  
 الفصل الخامس: في أننا فاعلون. اين فصل داراى يك تنبيه نيز مى باشد كه بيان مى كند افعال انسان متصف به حسن و قبح عقلى مى شود.  
 الفصل السادس: في التكليف (اين فصل داراى سه بخش است: اول: تعريف تكليف. دوم: تكليف حسن است. سوم: وجوب تكليف بر خداوند).  
 الفصل السابع: في اللطف (اين فصل نيز داراى سه مبحث با عناوين تعريف لطف، وجوب لطف و اقسام لطف است).  
 الفصل الثامن: في الألم.  
 الفصل التاسع: في الأعواض.  
 الاصل الثالث في النبوة

اصل سوم «في النبوة» است. اين اصل داراى سه فصل است. فصل اول درباره تعريف نبى است. فصل

دوم در مورد وجوب عصمت برای نبی بحث می‌کند. در این فصل در مورد معجزه نیز بحث شده است. فخرالمحققین در این فصل مقدمه‌ای را آورده است که عیناً عبارت فصول خواجه نصیرالدین طوسی است. فصل سوم اثبات نبوت خاصه است (عبارت‌های این قسمت نیز برگرفته از فصول خواجه است). در بحث از نبوت خاصه، فخرالمحققین حدود بیست معجزه بر نبوت پیامبر ذکر می‌کند. مؤلف در انتها سه تنبیه را در موضوعاتی چون وجه اعجاز قرآن، افضلیت انبیاء بر ملائکه و دیگر انبیا و در آخر بحث از خاتمیت را ذکر می‌کند.

#### الاصول الرابع فی الامامة

اصل چهارم که مفصل‌ترین بخش کتاب را شامل می‌شود «فی الامامة» است. فصول اصلی این بخش عبارتند از: تعریف امامت، وجوب امامت، عصمت امام، طریقه شناخت امام و افضلیت امام. مؤلف در مورد افضلیت امیرالمؤمنین (ع) شانزده دلیل از قرآن و سنت ذکر می‌کند.

خاتمه این اصل در مورد امامت دیگر ائمه است. فخرالمحققین برای هر یک از ائمه محل تولد، زمان تولد، زمان شهادت، محل شهادت و دلایل امامت را بیان می‌کند. از جمله دلایل امامت ائمه معجزه است. وی برای هر کدام از ائمه چندین معجزه بیان می‌کند. فخرالمحققین در این بخش علاوه بر ذکر تاریخ ولادت ائمه، به نصوص امامت هر یک از ائمه پرداخته و در آخر برای اثبات امامت هر امام چندین معجزه را بیان می‌کند. وی در آخر نیز دلایلی را برای افضلیت امام بر ملائکه و همچنین عصمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) ذکر می‌کند.

#### الاصول الخامس فی الوعد و الوعيد

اصل پنجم «فی الوعد و الوعيد» است که جزء کمترین بخش‌های کتاب و شامل پانزده فصل کوتاه است. این بخش همچون بخش اول کتاب به اشتباه کاتب دوازده فصل عنوان‌گذاری شده است. عناوین این اصل این‌گونه است: اول: فناء العالم. دوم: معاد جسمانی. سوم: امکان خلق عالم دیگر. چهارم: انقطاع تکلیف. پنجم: عذاب قبر. ششم: مخلوق بودن بهشت و جهنم. هفتم: وجوب عوض بر خداوند. هشتم: ثواب و عقاب. نهم: انقطاع عذاب فاسق. دهم: جواز عفو خداوند بر مرتکب کبیره. یازدهم: توبه. دوازدهم: شفاعت. سیزدهم: تعریف ایمان. چهاردهم: تعریف کفر و فسق. پانزدهم: امر به معروف و نهی از منکر.

این نسخه در آینده‌ای نه چندان دور به دست راقم سطور تحقیق و تصحیح خواهد شد..

#### کتابنامه

- سبحانی تبریزی، جعفر؛ معجم طبقات المتکلمین؛ قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع)، ۱۴۲۴.
- درایتی، مصطفی؛ فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)؛ تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۰.
- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ قم: خیام، ۱۴۰۱.
- آقابزرگ تهرانی، محمدحسن؛ طبقات اعلام الشیعة؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰.
- مدرس، میرزا محمد علی؛ ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب؛ بی تا، خیام، ۱۳۷۴.





